فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پنجاهم، بهار ۱۴۰۴- صفحات ۶۰۰-۵۷۶

برآورد بردارهای غیرخطی نهادهای حاکمیتی با رویکرد اتورگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی (NARDL)

نوع مقاله: پژوهشی

نهضت حسینی صدر[۱]
محمدرضا ناهیدی امیرخیز[۲]
رویا آل عمران[۳]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱۹

چکیده

گسترش و ثبات بانکداری اسلامی طی سالهای اخیر و بروز بحران های مالی و عدم توانایی نظام بانکداری متعارف در پیشگیری از بروز آنها، سبب شده تا توجه پژوهشگران و مقامات اقتصادی کشورها بیش از پیش نسبت به نقش و اهمیت بانکداری اسلامی معطوف شده و در راستای توسعه آن گام بردارند. در این مقاله به بررسی تأثیر شاخص‌های نهادهای حاکمیتی (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی اتورگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی (NARDL) پرداخته شده است. نتایج برآوردها حاکی از آن است که، در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر شوک‌های مثبت (منفی) حاکمیت قانون بر عقود بانکداری اسلامی مثبت (منفی) است. تأثیر شوک منفی کنترل فساد بر عقود بانکداری اسلامی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، مثبت و تأثیر شوک منفی اثربخشی دولت، منفی است ولی شوک مثبت، تأثیری بر عقود بانکداری اسلامی ندارد. تأثیر شوک مثبت کیفیت مقررات بر عقود بانکداری اسلامی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، منفی بوده ولی شوک منفی، بی‌تأثیر است. در کوتاه‌مدت تأثیر شوک‌های مثبت (منفی) حق اعتراض و پاسخگویی بر عقود بانکداری اسلامی مثبت (منفی) است ولی در بلندمدت، بی‌تأثیر است. شوک منفی ثبات سیاسی بدون خشونت در کوتاه‌مدت و بلندمدت و

[۱] گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران n.hoseinysadr@iau.ir
[۲] گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) nahidi@iau.ac.ir
[۳] گروه اقتصاد، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران 1380111625@iau.ac.ir

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

شوک مثبت در بلندمدت، تأثیری بر عقود بانکداری اسلامی ندارد ولی تأثیر شوک مثبت در کوتاه‌مدت، مثبت است.

واژه‌های کلیدی: عوامل نهادی، بانکداری اسلامی، اتورگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی.
طبقه بندی JEL: P48، O16، C32

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

مقدمه

بهبود و گسترش زیرساخت‌های عوامل نهادی می‌تواند در زمینه توسعه بانکداری اسلامی نقش قابل توجهی را ایفا کرده و عملکرد این نهاد مالی را به طرز قابل ملاحظه‌ای فزونی بخشد. چراکه نهادهای کارا می‌توانند سبب ساختارمندشدن تمامی جنبه‌های نهفته در تمامی ابعاد اقتصادی از جمله بخش مالی شوند. نهادها و قوانین قدرتمند، که از حقوق طلب‌کاران حمایت می‌کنند، در دسترس‌بودن وام را بهبود می‌بخشند و وام‌دهندگان را برای تأمین سرمایه بدهی به بنگاه‌ها ترغیب می‌کنند. به همین ترتیب، نهادهای حقوقی که به خوبی توسعه‌یافته هستند، برای رشد بنگاه‌ها حائز اهمیت فراوانی هستند و شرکت‌هایی که در کشورهایی با نهادهای قدرتمند فعالیت می‌کنند، می‌توانند سرمایه خارجی را بدست آورند و سریعتر رشد کنند و پرواضح است که در چنین وضعیتی، زمینه‌های توسعه بانکداری اسلامی مهیا خواهد بود.

عدم ثبات و ناامنی اقتصادی و اجتماعی، افزایش فساد در نظام اداری و اجرایی کشور، ناکارآمدبودن نظام قضایی (طولانی شدن دادرسی، فساد در نظام قضایی، عدم عدالت و ...)، وجود تنش‌های داخلی و بین‌المللی، عدم کارآمدی قوانین و مقررات، باعث ارتقای هزینه‌های معاملاتی و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری شده، که عواقب آن در نظام بانکداری اسلامی نیز جلوه‌گر خواهد شد، بطوریکه در بلندمدت رکود شدید و گسترده‌ای بر چنین بازار مالی سایه می‌افکند و مانع بزرگی را در جهت توسعه رضایت‌بخش و مطلوب این بازار ایجاد خواهد شد.

تلاش پژوهش حاضر این است که به بررسی تأثیر شاخص‌های نهادهای حاکمیتی (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی اتورگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی[1](NARDL) بپردازد. فرضیات پژوهش حاضر نیز به شرح زیر ارائه می‌شوند:

فرضیات اصلی:

۱- حق اعتراض و پاسخگویی بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
۲- ثبات سیاسی بدون خشونت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
۳- اثربخشی دولت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
۴- کیفیت مقررات بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.
۵- حاکمیت قانون بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

[1] .Nonlinear Auto Regressive Distributed Lag

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۶- کنترل فساد بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

فرضیات فرعی:

۱- تورم بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

۲- رشد اقتصادی بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران تأثیر دارد.

۱- مبانی نظری

بانکداری اسلامی بر مبنای اصل مشارکت در سود و زیان شکل گرفته و بر بخشهای حقیقی اقتصاد و سرمایه گذاری در این بخشها تأکید می نماید و همین أمر آن را از بانکداری سنتی متفاوت می سازد. مبنای بانکداری اسلامی، تسهیم سود، مشخص بودن مسیر مصرف منابع و نظارت بر عملیات بانکی بوده و بر این اساس، در بانکداری اسلامی وجوه سپرده گذاران طبق موازین شرعی و حقوقی و در قالب عقود معین، سرمایه‌گذاری می‌شود (شهبازخانی و صادقی، ۱۳۹۴). به طور کلی بانک اسلامی، یک مؤسسه بانکی تعریف شده که بهره (ربا) دریافت یا پرداخت نمی‌نماید (شاهین پور[1]، ۲۰۰۹). اگرچه تجربه بانک‌های اسلامی (با همه محدودیت‌ها و مشکلات) حاکی از آن است که بعضی از این بانک‌ها در زمینه توسعه اقتصادی از سایر بانک‌ها مؤثرتر بوده‌اند.

اما اقتضای وجودی بانک‌های اسلامی در زمینه توسعه، تلاش بیشتری را طلب می‌کند. این تلاش نه فقط برای برداشتن موانع، بلکه برای تحول و تکامل ابزار و وسایل مورد استفاده در بهره‌برداری از منابع مالی ضروری است (سرابی نوبخت و معدنچی، ۱۳۹۷). عمده عقود بانکداری اسلامی عبارت‌اند از:

قرض الحسنه: قراردادی است که در آن یکی از طرفین قرارداد مقدار معینی از مال خود را در زمان حال به دیگری واگذار می‌کند. در مقابل، قرض گیرنده، متعهد می‌شود که عین مال یا قیمت آن را در زمان معین باز پس دهد. یک طرف قرارداد می‌تواند بانک و طرف دیگر مشتری بانک باشد.

مضاربه: قراردادی است که به موجب آن بانک سرمایه را تأمین می‌کند و طرف دیگر با آن به تجارت می‌پردازد و در نهایت سود حاصل از سرمایه بین بانک و طرف دیگر تقسیم می‌شود.

مشارکت مدنی: قراردادی بازرگانی است که به موجب آن دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی از جمله بانک، سرمایه نقدی یا جنسی خود را به شکل مشاع و به منظور ایجاد سود در هم می‌آمیزند.

مشارکت حقوقی: قراردادی است که طی آن بانک قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید را تأمین و یا قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی موجود را خریداری می‌کند و از این طریق در سود آن‌ها شریک می‌شود.

---

[1].Shahinpoor

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

فروش اقساطی: بانک‌ها بنا به تقاضای کتبی مشتریان خود، ماشین آلات و تأسیساتی را که عمر مفید آن‌ها بیش از یک سال است، خریداری می‌کنند و به صورت قسطی به مشتریان می‌فروشند.

معاملات سلف: بانک محصولات تولیدی آینده بنگاه‌ها را پیش خرید می‌کند. این قرارداد ازناحیه فروشنده پیش فروش یا قرارداد سلف نامیده می شود.

اجاره به شرط تملیک: طبق این قرارداد، بانک مورد اجاره را تهیه کرده و در اختیار مشتری قرار می‌دهد و در صورتی که مستأجر به تعهدات خود عمل کرده و اقساط را تأدیه نماید، در پایان مدّت اجاره، مالک عین مال مورد اجاره می‌شود.

جعاله: طبق قرارداد، کارفرما تعهد می‌کند که در قبال عمل مشخص کارگزار یا عامل، اجرت معینی به او بپردازد (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۱).

مرابحه: اوراق مرابحه اوراق بهاداری است که دارندگان آنها به صورت مشاع، مالک دارایی مالی (دینی) هستند که بر اساس قرارداد مرابحه حاصل شده است و دارنده ورق مالک و طلبکار آن دین است. این اوراق بازدهی ثابت داشته و قابل فروش در بازار ثانوی می‌باشند.

استصناع: دولت، شهرداری ها، شرکت های دولتی و بخش خصوصی برای تأمین مالی طرح های عمرانی و توسعه ای می توانند از طریق استصناع اقدام کنند. این اوراق بهاداری است براساس قرارداد استصناع (سفارش ساخت) طراحی شده است.

سرمایه گذاری مستقیم: عبارتست از تامین سرمایه لازم جهت اجرای طرحهای تولیدی و طرحهای عمرانی انتفاعی توسط بانکها. نسبت سرمایه به کل منابع مالی لازم برای اجرای طرح، تا مرحله بهره‌برداری نباید از چهل درصد کمتر باشد.

خرید دین: طبق این قرارداد، بانک‌ها می‌توانند اسناد و اوراق تجاری متعلق به واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی را تنزیل کنند (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۱).

عوامل بسیاری می‌توانند بر بانکداری اسلامی تأثیرگذار باشند که در این بین، نقش عوامل نهادی می‌تواند حائز اهمیت فراوانی باشد. نظریه‌پردازان مختلف نهادگرا، تعاریف متفاوتی از نهاد ارائه نموده‌اند و تعریف جامعی که مورد توافق همه دانشمندان نهادگرا باشد، وجود ندارد و هرکس مطابق تفکر و ذهنیت‌های خود، به تعریف جداگانه‌ای از نهاد پرداخته است.. در یک تعبیر کلی، نهادها مشتمل بر باورها، رفتارها (حوزه عقلانی یا غیر عقلانی)، سنت‌ها، ضوابط و مقررات حقوقی هستند، که پیرامون یک هسته اصلی، مجموعهٔ هماهنگی را شکل می‌دهند. از این لحاظ نهادهای خوب، به عنوان ایجاد کننده یک ساختار انگیزشی مطرح می‌شوند که باعث کاهش نااطمینانی، تشویق کارایی و بنابراین کمک به بهبود عملکرد اقتصادی می‌گردند بنابراین می‌توان بین سه شکل از نهادها تمایز قائل شد

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

(نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی). نهادهای سیاسی شامل نوع حکومت، قدرت تخصیص داده شده و محدودیت‌های اعمال شده روی سیاست‌گذاران و نخبگان سیاسی است (نورث[1]، ۲۰۱۶).

نهادهای اقتصادی (مانند حقوق مالکیت) شکل دهنده محیط اقتصادی هستند، که افراد و شرکتها در آن فعالیت می‌کنند. نهادهای اقتصادی خود توسط نهادهای سیاسی و به‌طور کلی‌تر توسط نهادهای اجتماعی شکل یافته‌اند. در کل در ارتباط با توزیع منابع تضاد منافعی وجود دارد و تا حدی در مورد نهادهای اقتصادی. یک عامل مهم در تشخیص نتیجه چنین تضادی، تخصیص قدرت سیاسی است، که خود آن به طور معنی داری از سوی ساختار نهادهای سیاسی متأثر می‌گردد. این که چه نوع نهاد اقتصادی در جامعه برقرار خواهد شد به این موضوع بستگی دارد که چه کسی قدرت سیاسی را برای ایجاد یا مسدود کردن نهادهای اقتصادی در اختیار داشته باشد. (اللهی و همکاران، ۱۳۹۷). آموزش، بهداشت، حمایت از شهروندان فقیر و ناتوان از تحصیل درآمد مورد قبول برای زندگی، آداب و رسوم و ارزشها نیز از جمله نهادهای اجتماعی رسمی و غیر رسمی در یک جامعه به‌شمار می‌روند که در شکل دادن محیط اقتصادی نقش مهمی دارند. درواقع، نهادها مجموعه انتخاب‌های افراد را معین کرده و آن را محدود می‌کنند، این محدودیت‌های ایجاد شده بشری می‌توانند همانند هنجارهای اجتماعی، عرف و معیارهای اخلاقی، غیر رسمی باشند و یا همانند قواعد طراحی شده توسط انسانها، رسمی باشند. بر اساس دیدگاه اقتصاددانان نهادگرا، نهادها سبب ایجاد ساختار در انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری، اعم از مبادلات اقتصادی می شوند (قبادی و همکاران، ۱۳۹۸).

ثبات سیاسی بدون خشونت: ثبات سیاسی بدون خشونت مبین احتمال سرنگونی یک حکومت و نظام سیاسی از طریق غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز می‌باشد. عمدتا بحث این شاخص روی تروریسم و خشونت می‌باشد. براساس این شاخص، هرچه احتمال نبودن ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد، نشان‌دهنده عملکرد ضعیف عوامل نهادی است و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه عوامل نهادی، امتیاز بالاتری را کسب می‌کند. از منظر بانک جهانی نیز، این شاخص گویای مفاهیمی همانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا می‌باشد.

اثربخشی دولت: از منظر بانک جهانی، کارایی یا اثربخشی دولت با سیاست‌گذاری و اجرا توسط دولت برای حمایت سیستم بازار مورد توجه واقع گردیده است. همچنین این شاخص به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیمات مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی همانند پاسخگویی و شفافیت اشاره دارد. این شاخص همچنین، کیفیت تهیه و تدارک خدمات

[1].North

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را نیز توضیح می‌دهد.

کیفیت مقررات: از منظر بانک جهانی، این شاخص گویای مفاهیمی همچون مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و دسترسی به بازارها است که با نام کیفیت بوروکراسی نیز مطرح می‌گردد. به‌بیانی دیگر منظور از این شاخص، قابلیت دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی می‌باشد که سبب گسترش حضور و فعالیت‌های بخش خصوصی می‌گردد. حضور هرچه بیشتر بخش خصوصی در اثر اجرای سیاست‌های تدوین‌شده از سوی دولت، نشانه‌ای از عملکرد بهتر عوامل نهادی در جامعه می‌باشد.

حاکمیت قانون: اینکه تا چه حد قوانین سیاسی در یک جامعه واقعی هستند و می‌توان به اجرای آنها تکیه کرد، با این شاخص ارزیابی می‌گردد. از منظر بانک جهانی، این شاخص گویای مفاهیمی همچون اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان‌یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت همانند مولفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون می‌باشد.

کنترل فساد: از منظر بانک جهانی، این شاخص مفاهیمی همانند فساد در میان مقامات رسمی یا همان سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی، اثربخشی تدابیر ضدفساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و ... را سنجش می‌کند. لازم بذکر است که این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را پوشش می‌دهد (بانک جهانی۱، ۲۰۲۴ و خانه آزادی۲، ۲۰۲۴).

در ارتباط با نقش عوامل نهادی در بانکداری اسلامی، چنین قابل اذعان است که، دولت دموکراتیک با حمایت از حقوق بشر از طریق افزایش حق اعتراض و پاسخگویی، اجازه مشارکت بیشتری را در توزیع مناسب‌تر امکانات مالی فراهم می‌سازد. چراکه با تشویق مباحثات آزاد در مورد سیاست‌مداران و سیاست‌ها، هم امکان تداوم نظام حاکم بر جامعه افزایش می‌یابد و از طرفی نیز این أمر، زمینه‌های فرار مغزها را کاهش داده و ضمن تقلیل مخارج ریسک سرمایه‌گذاری، زمینه‌های سرمایه‌گذاری بیشتر را در نظام بانکداری اسلامی فراهم می‌سازد و همین أمر نیز، بسترهای مولد را جهت ارائه خدمات بانکی بیشتر در جوامع اسلامی فراهم کرده و لذا زمینه‌های اعطای تسهیلات بیشتر و متنوع تر عقود بانکداری اسلامی را مهیا می‌کند. درواقع، حق اعتراض و پاسخگویی با حفظ حقوق مالکیت، مشوق سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی بوده و با اجازه ابراز نظرات و عقاید، سبب کارایی بیشتر در تخصیص منابع بانکهای اسلامی می‌شود (آهنگری و رضائی، ۱۳۹۰).

---

[1].World Bank
[2].Freedom House

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

ثبات سیاسی بدون خشونت از کانال سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی می‌تواند بر اعطای تسهیلات این بانکها اثرگذار باشد و مطابق پیش‌بینی، اثرش مثبت است. به‌طور مثال، اطمینان سیاسی با ثبات سیاسی همراه بوده و احتمالاً نرخ ترجیحات زمانی را به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز کاهش می‌دهد. در واکنش به این أمر، نرخ سرمایه‌گذاری‌ها در طرح‌های بلندمدت اسلامی و با بهره‌وری بالا افزایش می‌یابد. افزون بر این، کارائی مالی حاصله به‌واسطه ثبات سیاسی، مانند عملکرد بهتر جدول زمانی سرمایه‌گذاری، ارائه خدمات نهایی متناظر داده‌های سرمایه گذاری را در این بانکها افزایش خواهد داد. لذا نتیجه‌گیری می‌شود که ثبات سیاسی بدون خشونت، از طریق اثر مثبت خود روی بازدهی نهایی سرمایه گذاری در بانکداری اسلامی، تسهیلات اعطایی این بانکها را تحت تاثیر مثبتی قرار می‌دهد (چئونا و همکاران[1]، ۲۰۱۰). ولی اگر در جامعه‌ای، زمینه‌های ایجاد ثبات اقتصادی با خشونت همراه باشد، طبیعی است که در چنین حالتی، امکان تنش‌های نژادی و قومی و درگیری‌های درون یا برون‌مرزی به میزان قابل توجهی محتمل است و همین أمر باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران در چنین کشوری، احساس امنیت نکنند و از عنوان‌کردن دارایی‌هایشان و سرمایه‌گذاری امتناع کنند. در چنین حالتی، سرمایه‌گذاران ممکن است سرمایه خود را به کشورهای دیگری منتقل کنند یا این که سرمایه خود را در پروژه‌های کوچک و کوتاه‌مدت غیر اسلامی به‌کار اندازند و لذا همین أمور می‌تواند موجبات کاهش سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی و لذا ارائه تسهیلات کمتر عقود بانکداری اسلامی را به‌همراه داشته باشد (مسرون[2]، ۲۰۱۳).

دولت اثربخش و کارا، پاسخگوی نیازهای آحاد ملت، مروج عدالت اجتماعی، متضمن دستیابی به خدمات، کیفیت و سرمایه‌های مالی و ایجاد محیطی مناسب برای سرمایه‌گذاری و بهره‌وری پایدار می‌باشد. دولت‌های اثربخش به‌واسطه حمایت‌های حسابگرانه، می‌توانند با تضمین حقوق مالکیت، از سرمایه گذاران داخلی حمایت کرده و انگیزه‌های افزایش سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی را فراهم کنند و از این طریق، زمینه‌ساز افزایش اعطای تسهیلات بانکهای اسلامی گردند. هدف از اثربخشی دولت، سیاست‌گذاری صحیح دولت است که می‌تواند روند توزیع مجدد درآمد، ثبات اقتصادی و تخصیص منابع و مدیریت نظام تصمیم‌گیری عمومی را بهبود بخشد تا از این طریق، زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در بانکهای جوامع اسلامی گردد.

دولت با تصویب قوانین مناسب می‌تواند نقش قابل توجهی در بسترسازی لازم برای کارکرد مناسب نظام بانکداری در جوامع اسلامی داشته باشد. درواقع، جامعه‌ای توسعه‌یافته می‌باشد، که قانون و مقررات در آن، درحد بهینه باشد، نه چنان کم، که منجر به رفتارهای بدون قاعده و پرهزینه گردد

[1].Cheona et al
[2].Masron

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

و امور جامعه را مختل کند و نه چنان زیاد، که راه را برای انتخاب بهینه افراد ببندد (شریف آزاده و بحرینی، ۱۳۸۲). قوانین و مقررات اختلال‌زا از قبیل، مجوزها و موافقت‌نامه‌های دولتی دست و پاگیر، قوانین و مقررات ناظر بیش از حد بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و بار مالیاتی بالا، در مسیر راه‌اندازی فضاهای سرمایه‌گذاری محدودیت ایجاد می‌کند و منجر به افزایش هزینه اولیه پروژه‌های سرمایه‌گذاری اسلامی می‌شود، که اگر این هزینه‌ها به اندازه کافی بزرگ باشد، مانعی بر مسیر رشد سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی ایجاد می‌کند و این أمر نیز می‌تواند منجر به کاهش اعطای تسهیلات این بانکها گردد. براین اساس، جهت نیل به کارایی بیشتر بانکهای اسلامی، لحاظ کیفیت قوانین و مقررات در قانون‌گذاری این جوامع، ضروری می‌باشد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶).

حاکمیت قانون به‌واسطه حمایت از حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادها و مهم‌تر از همه، با ایجاد کارآفرینی، زمینه بهبود عملکرد نهاده‌های پولی_مالی را فراهم می‌کند (بالسرزاک و پیترزاک[1]، ۲۰۱۶). ولی اگر در جامعه‌ای نظم و قانون حاکم نباشد، در چنین حالتی، عدم اعتنا به قراردادها به‌ویژه از جانب دولت‌ها می‌تواند رواج داشته باشد و سرمایه‌گذاران (اعم از داخلی و خارجی)، می‌توانند با خطرات مصادره اموال خود از جانب دولت‌ها مواجه شوند. پرواضح است که در چنین وضعیتی، سرمایه‌گذاران از هزینه‌کردن بر روی پروژه‌های بانکهای اسلامی نیز، امتناع می‌کنند و از اینرو زمینه‌های لازم برای حمایت مالی از وام گیرندگان، محدود گشته و همین أمر می‌تواند منجر به کاهش اعطای تسهیلات بانکداری اسلامی گردد (مسرون[2]، ۲۰۱۳).

با کنترل فساد نیز، امکان تخصیص بهینه استعدادهای جامعه و کاهش فعالیت‌های رانت‌جویانه فراهم می‌گردد، جامعه از پتانسیل‌های واقعی خود برخوردار شده و زمینه‌های گسترش سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی نیز فراهم می‌گردد. (فوستر و همکاران[3]، ۲۰۱۲). ولی درصورت وجود فساد در ارگان‌های دولتی، نوعی بی‌اعتمادی از جانب بخش خصوصی نسبت به دولت ایجاد می‌شود و این بی‌اعتمادی نیز در قالب اشکال مختلف من‌الجمله خودداری از سرمایه‌گذاری‌های کارآمد و درپیش‌گرفتن سیاست‌های صبر و انتظار جلوه خواهد نمود. طبیعی هست که در چنین وضعیتی، روند سرمایه‌گذاری در بانکهای اسلامی نیز نمی‌تواند چشم‌گیر باشد (شریف آزاده و بحرینی، ۱۳۸۲).

۲- پیشینه پژوهش

مطالعه حاضر از جهت رویکرد تأثیری عوامل نهادی، صرفا روی نظام بانکداری اسلامی حائز نوآوری است. چراکه در مطالعات مشابه در حیطه مطالعات محقق، این رویکرد از جهت سایر متغیرهای

[1].Balcerzak & Pietrzak
[2].Masron
[3].Foster et al

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

بانکی بوده که نگاهی به مولفه‌های بانکداری اسلامی نداشته‌اند. لذا در پژوهش حاضر با ارائه مدل جامع‌تری، تلاش بر این است که با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی اتورگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی[1](NARDL)، به بررسی تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران پرداخته شود.

۲-۱- مطالعات خارجی

(توی و ممولگلی،۲۰۲۰)[2]، در مطالعه‌ای تحت عنوان «محیط نهادی و عوامل تعیین‌کننده سرعت تعدیل ساختار سرمایه در منطقه MENA»، به بررسی تاثیر عوامل موثر بر ساختار مالی شرکت‌های فهرست شده در منطقه MENA پرداختند. جهت نیل به این مقصود از اطلاعات ۵۰۶ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار در ۱۲ کشور منطقه MENA بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ استفاده شد. نتایج برآورد مدل به شیوه گشتاورهای تعمیم یافته حاکی از این أمر بود که، حاکمیت قانون و ثبات سیاسی بدون خشونت (به عنوان شاخص‌های عوامل نهادی) در برخی موارد دارای تأثیر مثبت و در برخی موارد دارای تأثیر منفی بودند. هرچند که بدلیل شرایط کشورهای مورد بررسی، ضرایب مثبت تأثیرگذار چندان چشم‌گیر نبودند.

(پرادهان و همکاران، ۲۰۲۳)[3]، به بررسی رابطه بین کیفیت نهادی و توسعه مالی پرداختند. این رابطه با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری (VECM) و روش علیت گرنجر برای نمونه‌ای متشکل از ۷۹ کشور از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۲ مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که در کوتاه‌مدت بین کیفیت نهادی و توسعه مالی رابطه علی دوطرفه وجود دارد. از طرفی نیز در بلندمدت، کیفیت نهادی بر توسعه مالی تأثیر مثبتی داشت.

۲-۲- مطالعات داخلی

(عزتی و همکاران، ۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «ارزیابی اثر عوامل نهادی و سیاسی بر توسعه مالی در کشورهای اسلامی منتخب»، به ارزیابی اثر عوامل نهادی و سیاسی بر توسعه مالی در کشورهای منتخب اسلامی پرداختند. مدل تجربی این بررسی، با داده‌های دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ و با استفاده از روش رگرسیونی EGLS براورد شده است. نتایج نشان داد که شاخص‌های نهادی

[1] .Nonlinear Auto Regressive Distributed Lag
[2].Touil & Mamoghli
[3].Pradhan et al

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

مربوط به حکمرانی خوب بر شاخص ترکیبی توسعه مالی اثر مثبتی داشته‌اند. در برابر، شاخص دموکراسی اثر منفی بر توسعه مالی داشته است.

(عزیزی و همکاران، ۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر شاخص‌های کیفیت نهادی بر توسعه مالی (مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه منطقه اوراسیا)»، به بررسی شاخص‌های کیفیت نهادی بر توسعه مالی در ۲۷ کشور در حال توسعه منطقه اوراسیا طی سال‌های ۲۰۱۵-۱۹۹۹ پرداختند. بر این اساس، یک الگوی اقتصادسنجی تصریح و به روش گشتاورهای تعمیم یافته در داده‌های پانل برآورد گردید. نتایج حاصل از این مطالعه دلالت بر این داشت که کیفیت بالای نهادها، دموکراسی بالاتر و حمایت حقوق مالکیت، اثر مثبت و معناداری بر توسعه مالی در کشورهای مورد بررسی داشته است.

۳- روش شناسی و معرفی مدل

در این پژوهش، تأثیر شاخص‌های عوامل نهادی دولت (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای برآورد اثرات متغیرها نیز، از تکنیک اقتصادسنجی اتورگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی[1] (NARDL) استفاده می‌شود.

مطالعه حاضر بر مبنای مبانی نظری و مطالعات تجربی و علی‌الخصوص مطالعه آسوتای و مهدسایدک[2] (۲۰۲۰)، می‌باشد که متغیرهای دیگری نیز، بر اساس هدف پژوهشگر به شکل تئوریک در مدل وارد شده است، که فرم تبعی آن بصورت زیر می‌باشد:

$$IBO_t = f(IF1_t, IF2_t, IF3_t, IF4_t, IF5_t, IF6_t, INF_t, Y_t)$$

که به شکل زیر تصریح شده است:

$$IBO_t = \alpha_0 + \alpha_1 IF1_t + \alpha_2 IF2_t + \alpha_3 IF3_t + \alpha_4 IF4_t + \alpha_5 IF5_t + \alpha_6 IF6_t + \alpha_7 INF_t + \alpha_8 Y_t + \varepsilon_{it}$$

IBO: بیانگر شاخص عملکرد نظام بانکداری اسلامی می‌باشد که مبین تسهیلات اعطایی بانک‌ها بصورت عقود شامل تسهیلات قرض الحسنه، مضاربه، سلف، مشارکت مدنی، جعاله، فروش اقساطی،

[1] .Nonlinear Auto Regressive Distributed Lag
[2] .Asutay & Mohd Sidek

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

مرابحه، استصناع، اجاره به شرط تملیک، مشارکت حقوقی، سرمایه گذاری مستقیم و خرید دین، است.

شاخص‌های نهادهای حاکمیتی عبارتند از:

IF1: بیانگر حق اعتراض و پاسخگویی می‌باشد، که از منظر بانک جهانی این شاخص، مفاهیمی چون حقوق سیاسی، آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، آزادی مطبوعات، میزان نمایندگی حکام از طبقات اجتماعی و فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات را دربر می‌گیرد؛

IF2: گویای ثبات سیاسی بدون خشونت می‌باشد، که از نظر بانک جهانی این شاخص، از مفاهیمی همانند ناآرامی‌های اجتماعی، ترور و اعدام‌های سیاسی، کودتا، آشوب‌های شهری، تنش‌های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا ناشی می‌شود؛

IF3: مبین اثربخشی دولت می‌باشد، که از منظر بانک جهانی این شاخص، عمدتا بیانگر توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیمات مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران می‌باشد؛

IF4: بیانگر کیفیت مقررات می‌باشد، که از نظر بانک جهانی این شاخص، مفاهیمی چون مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و دسترسی به بازارها را دربر می‌گیرد؛

IF5: گویای حاکمیت قانون می‌باشد، که طبق استناد بانک جهانی، اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت ازجمله مولفه‌های اصلی سنجش شاخص حاکمیت قانون می‌باشند؛

IF6: مبین کنترل فساد می‌باشد، که طبق استناد بانک جهانی این شاخص، از مفاهیمی چون فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدابیر ضدفساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی و پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی ناشی می‌شود.

INF: بیانگر نرخ تورم بر مبنای شاخص قیمتی مصرف‌کننده می‌باشد.

Y: بیانگر رشد اقتصادی می باشد، که از تولید ناخالص داخلی حاصل می‌شود.

لازم بذکر است که، اطلاعات مربوط به شاخص‌های عوامل نهادی از وب سایت بانک جهانی[1]، گردآوری شده‌اند. اطلاعات مربوط به بانکداری اسلامی و تورم، از وب سایت بانک مرکزی و اطلاعات رشد اقتصادی از وب سایت مرکز آمار ایران استخراج شده‌اند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و برآورد مدل نیز، از نرم‌افزار Eveiws استفاده شده است.

[1] .World Bank

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آزمون مانایی

جهت بررسی مانایی متغیرها از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته[1] استفاده شده است، که خلاصه نتایج آزمون مذکور در جدول (۱) ارائه گردیده است. در این آزمون، فرضیه صفر مبین وجود ریشه واحد در داده‌ها (عدم مانایی) می‌باشد و فرضیه مقابل نیز مبنی بر عدم وجود ریشه واحد (مانایی) می‌باشد.

جدول (۱): نتایج آزمون مانایی

متغیر	در سطح	با یکبار تفاضل‌گیری
LnIBO	-۰/۰۷۰۶ (۰/۹۴۸۶)	-۸/۰۱۹۰ (۰/۰۰۰۰)
LnY	-۰/۹۳۴۵ (۰/۹۹۵۶)	-۳/۰۲۲۰ (۰/۰۳۶۹)
INF	-۲/۲۶۸۱ (۰/۱۸۴۸)	-۳/۰۴۱۰ (۰/۰۳۵۶)
LnIF1	-۲/۰۷۳۵ (۰/۲۵۵۸)	-۲/۷۹۰۰ (۰/۰۶۴۲)
IF2	-۲/۸۰۷۷ (۰/۰۶۱۸)	-
LnIF3	-۳/۴۷۵۲ (۰/۰۱۱۱)	-
IF4	-۴/۲۹۹۱ (۰/۰۰۰۹)	-
LnIF5	-۲/۶۲۲۱ (۰/۰۹۲۸)	-
LnIF6	-۱/۱۲۱۳	-۳/۴۴۷۰

[1].Augmented Dicky-Fuller

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

(۰/۰۱۲۱)	(۰/۷۰۳۹)	

همانطور که از جدول شماره (۱) قابل مشاهده است، متغیرهای تورم، کنترل فساد، بانکداری اسلامی، حق اعتراض و پاسخگویی و رشد اقتصادی، دارای ریشه واحد بوده و با یکبار تفاضل‌گیری به حالت مانا در می‌آیند، لذا انباشته از درجه یک می‌باشند ($I(1)$)، اما متغیرهای اثربخشی دولت، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی بدون خشونت و کیفیت مقررات، در سطح مانا بوده و لذا انباشته از درجه صفر می‌باشند ($I(0)$). حال با توجه به اینکه همه متغیرها در یک مرتبه یکسان مانا نیستند، لذا برای برآورد الگو بهتر است از روش NARDL استفاده شود. زیرا این الگو نسبت به درجه هم‌انباشتگی متغیرها حساس نبوده و بدون در نظر گرفتن اینکه متغیرها $I(0)$ یا $I(1)$ هستند به کار برده می‌شود. به عبارتی در این روش نیازی به تقسیم متغیرها از درجه صفر و یک نیست.

۴-۲- برآورد مدل

جدول (۲): نتایج حاصل از برآورد مدل در حالت کوتاه‌مدت و بلندمدت

	حالت کوتاه‌مدت		حالت بلندمدت	
متغیر	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال
LnIBO(-1)	۰/۶۶۹۷	۰/۰۰۰۰	-	
LnIF1_NEG	-۰/۳۰۴۱	۰/۰۸۷۷	-۰/۹۲۰۹	۰/۱۲۷۴
LnIF1_POS	۰/۲۷۳۹	۰/۰۴۵۷	۰/۸۲۹۵	۰/۱۱۲۴
IF2_NEG	۰/۰۵۶۰	۰/۵۹۴۷	۰/۱۶۹۸	۰/۶۳۳۹
IF2_POS	۰/۶۳۲۳	۰/۰۶۳۲	۱/۹۱۴۹	۰/۱۳۸۵
LnIF3_NEG	-۰/۶۴۴۴	۰/۰۳۶۱	-۱/۹۵۱۶	۰/۰۲۸۴
LnIF3_POS	-۰/۴۵۸۲	۰/۴۵۹۸	-۱/۳۸۷۷	۰/۵۱۷۰
IF4_NEG	-۰/۱۰۶۴	۰/۶۸۸۰	-۰/۳۲۲۲	۰/۷۱۹۰
IF4_POS	-۰/۶۵۷۲	۰/۰۸۶۵	-۱/۹۹۰۴	۰/۰۸۰۸
LnIF5_NEG	-۱/۲۹۵۲	۰/۰۸۸۲	-۳/۹۲۲۳	۰/۰۹۷۰
LnIF5_POS	۱/۶۳۰۲	۰/۰۷۷۴	۴/۹۳۶۹	۰/۰۴۵۷
LnIF6_NEG	۰/۰۳۵۹	۰/۰۰۹۷	۰/۱۰۸۷	۰/۰۶۳۱
LnIF6_POS	-۰/۳۴۱۰	۰/۳۸۲۹	-۱/۰۳۲۶	۰/۴۶۵۵

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

LY_NEG	-۰/۷۷۴۷	۰/۰۱۵۷	-۲/۳۴۶۲	۰/۰۲۷۰
LY_POS	۰/۲۸۳۹	۰/۰۲۹۰	۰/۸۵۹۸	۰/۰۶۸۴
INF_NEG	۰/۰۱۸۹	۰/۰۱۲۰	۰/۰۵۷۴	۰۱۶۰
INF_POS	-۰/۰۱۱۸	۰/۰۱۵۱	-۰/۰۳۶۰	۰/۰۰۴۷
آزمون باند				
آماره F	۳/۰۸۱			
I(0)	۱/۸۳۰			
I(1)	۲/۹۴۰			

منبع: محاسبات تحقیق

- در حالت کوتاه‌مدت، یک درصد افزایش در عقود بانکداری اسلامی دوره گذشته، باعث افزایش ۰/۶۶ درصدی عقود بانکداری اسلامی دوره جاری می‌شود.

- در کوتاه‌مدت تأثیر شوک‌های مثبت (منفی) حق اعتراض و پاسخگویی بر عقود بانکداری اسلامی مثبت (منفی) است ولی در بلندمدت، بی‌تأثیر است. درواقع هرچقدر در کشور، زمینه‌ها برای حق اعتراض و پاسخگویی فراهم باشد یا حکومت دموکراتیک در کشور حاکم باشد، انگیزه برای سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی افزایش می‌یابد و همین أمر نیز، محرکی برای تسهیلات بانکی در قالب عقود خواهد بود. ولی درصورتیکه زمینه‌ها برای حق اعتراض و پاسخگویی محدود گردد، طبیعتا انگیزه برای سرمایه‌گذاری در این نظام بانکی کاهش یافته و می‌تواند خیلی محدود شود و این أمر می‌تواند خود را در قالب رابطه منفی یا حتی عدم رابطه نشان دهد.

- شوک منفی ثبات سیاسی بدون خشونت در کوتاه‌مدت و بلندمدت و شوک مثبت در بلندمدت، تأثیری بر عقود بانکداری اسلامی ندارد ولی تأثیر شوک مثبت در کوتاه‌مدت، مثبت است. دربیانی هرچه قدر بسترهای ثبات سیاسی بدون خشونت در کشور بیشتر باشد، امکان تنش‌ها و درگیری‌های درون یا برون‌مرزی به‌میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد و در چنین حالتی، سرمایه‌گذار با احساس امنیت و انگیزه بیشتری اقدام به سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی می‌کند و لذا بهره‌وری بانک‌های اسلامی در چنین حالتی می‌تواند رشد قابل توجهی را به همراه داشته باشد و زمینه‌ساز اعطای تسهیلات بیشتر گردد (رابطه مثبت). ولی در شرایطی که این بسترها محدود شده باشند، طبیعتا سرمایه‌گذاری در نظام بانک‌داری اسلامی نیز می‌تواند رفته رفته خیلی محدود شود و در چنین وضعیتی، می‌توان شاهد عدم رابطه نیز بود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

- در کوتاه‌مدت و بلندمدت، تأثیر شوک منفی اثربخشی دولت، منفی است ولی شوک مثبت، تأثیری بر عقود بانکداری اسلامی ندارد. چنین قابل اذعان است که درصورت عدم وجود دولت اثربخش و کارا، سیاست‌گذاری‌های دولت از طریق عدم حمایت‌های حسابگرانه، می‌تواند به عدم تضمین هرچه بیشتر حقوق مالکیت سرمایه‌گذاران منجر گردد و زمینه‌های سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی را کاهش دهد. پرواضح است که در چنین وضعیتی، تسهیلات اعطایی بانک‌های اسلامی نیز کاهش یافته و می‌تواند خیلی محدود گردد. در چنین وضعتی، می‌توان شاهد رابطه منفی و عدم رابطه نیز بود.

- تأثیر شوک مثبت کیفیت مقررات بر عقود بانکداری اسلامی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، منفی بوده ولی شوک منفی، بی‌تأثیر است. درواقع هرچقدر مقررات دست و پاگیر در کشور بیشتر باشد یا به‌عبارتی، کمیت قوانین و مقررات بجای کیفیت قوانین و مقررات در قانون‌گذاری، بیشتر مدنظر قرار بگیرد، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بانکداری اسلامی کاهش می‌یابد و همین أمر منجر به کاهش ارائه تسهیلات بانکی می‌شود (رابطه منفی)، تاجائیکه میزان تسهیلات بانکی در قالب عقود خیلی محدود می‌گردد (عدم رابطه).

- در کوتاه‌مدت و بلندمدت، تأثیر شوک‌های مثبت حاکمیت قانون بر عقود بانکداری اسلامی مثبت و تأثیر شوک‌های منفی حاکمیت قانون بر عقود بانکداری اسلامی منفی است. به عبارتی، هرچقدر قانون در کشور بیشتر حاکم‌مند باشد، طبیعتا حقوق مالکیت در چنین حالتی، به نحو موثرتری تأمین می‌گردد و این أمر نیز می‌تواند زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری‌های جدید در نظام بانکداری اسلامی شده و زمینه اعطای تسهیلات بیشتر را مهیا کند و بالعکس.

- تأثیر شوک منفی کنترل فساد بر عقود بانکداری اسلامی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، مثبت بوده ولی شوک مثبت، تأثیری بر عقود بانکداری اسلامی ندارد. هرچند با کنترل فساد، امکان تخصیص بهینه منابع سرمایه‌ای و کاهش فعالیت‌های رانت‌جویانه فراهم می‌گردد و زمینه برای سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی فراهم می‌گردد ولی درصورتیکه درجه رشد فساد بیشتر از درجه رشد کنترل فساد باشد، اثرات مخرب فساد بر اثرات مثبت کنترل فساد غلبه کرده و می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی را کاهش داده و خیلی محدود کند. طبیعتا در چنین شرایطی، زمینه‌های اعطای تسهیلات در قالب عقود می‌تواند خیلی محدود باشد، به عبارتی ضریب مثبت خیلی کوچک می‌شود.

- در حالت کوتاه‌مدت و بلندمدت، تأثیر شوک‌های مثبت (منفی) تورم بر عقود بانکداری اسلامی منفی (مثبت) است. در بیانی هرچه تورم در این جوامع بیشتر (کمتر) باشد، میزان تسهیلات بانکی در قالب عقود نیز به مقدار بیشتری کاهش (افزایش) می‌یابد، که این روابط با تئوری‌های اقتصادی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

همخوانی دارند. درواقع نرخ تورم بالا منجر به افزایش عدم اطمینان و کاهش کارایی مکانیسم قیمت در تخصیص منابع می‌شود و لذا بی‌ثباتی بخش‌های مختلف اقتصادی من الجمله بازارهای مالی را به همراه داشته و در یک اقتصاد بی‌ثبات نیز، ارزش و بهره‌وری بازار پول کاهش می‌یابد و حجم تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکداری اسلامی در قالب عقود به علت ریسک ناشی از بازپرداخت بدهی و کاهش قدرت خرید، به طرز قابل ملاحظه‌ای تقلیل می‌یابد و بالعکس.

- تأثیر شوک‌های مثبت (منفی) رشد اقتصادی بر عقود بانکداری اسلامی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، مثبت (منفی) است. علت این أمر این است که افزایش رشد اقتصادی به‌واسطه افزایش تولید، می‌تواند منجر به افزایش درآمد و ثروت شده و انگیزه پس‌انداز و درنهایت انگیزه سرمایه‌گذاری در نظام بانکداری اسلامی را افزایش داده و برای تسهیلات بانکداری اسلامی نیز تقاضا ایجاد کند و بالعکس.

- طبق مقدار آماره F محاسباتی نیز که برابر با ۳/۰۸۱ است و بیشتر از مقدار بحرانی حد بالایی در سطوح معنی‌داری ۱۰٪ درصد می‌باشد، یک رابطه تعادلی بلندمدت بین حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد، رشد اقتصادی و تورم با عقود بانکداری اسلامی وجود دارد.

در ادامه در جدول شماره (۳) نتایج برآورد الگوی تصحیح خطای مدل که نشان دهنده رابطه تعادلی است، ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج حاصل از تخمین مدل تصحیح خطا

متغیر	ضریب	احتمال
ECM(-1)	-۰/۳۳۰۲	۰/۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

ضریب ECM[۲۴] سرعت تعدیل به سمت تعادل بلندمدت را نشان می‌دهد و انتظار می رود که از نظر علامتی منفی باشد. در واقع این ضریب نشان می‌دهد، در هر دوره چند درصد از عدم تعادل متغیر وابسته تعدیل شده و به سمت رابطه بلندمدت نزدیک می‌شود. همانگونه که نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد، ضریب تصحیح خطای مدل کوچکتر از یک و از نظر آماری در سطح یک درصد معنی‌دار می‌باشد. ضریب تصحیح خطای مدل برابر ۰/۳۳- می‌باشد، که نشان می‌دهد در هر سال ۰/۳۳ از عدم تعادل یک دوره در عقود بانکداری اسلامی در دوره بعد تعدیل می‌شود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۴-۳- آزمون‌های تشخیصی

برای ارزیابی مدل برآورد شده، به انجام آزمون‌های عدم وجود همبستگی سریالی میان جملات خطا، آزمون عدم وجود ناهمسانی واریانس، آزمون نرمالیته، خطای تصریح و ثبات ساختاری می‌پردازیم. جهت اطمینان از صحت وجود یا عدم وجود خودهمبستگی از آزمون بریوش گادفری استفاده می‌کنیم. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر عدم خودهمبستگی می‌باشد و فرضیه مقابل نیز وجود خودهمبستگی را بیان می‌کند. براساس نتایج جدول (۴) فرضیه H_0 پذیرفته می‌شود، لذا در مدل مشکل خودهمبستگی وجود ندارد. جهت بررسی وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس از آزمون وایت استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون، مبنی بر نبود ناهمسانی واریانس و فرضیه مقابل نیز مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس است، که با توجه به نتایج جدول، فرضیه H_0 پذیرفته می‌شود، لذا مشکل ناهمسانی واریانس در مدل وجود ندارد. جهت نرمال بودن پسماندهای مدل از آزمون جاگ‌برا استفاده شده است. در این آزمون، فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن باقیمانده‌ها است و فرضیه مقابل نیز مبنی بر عدم نرمال‌بودن پسماندهاست، که با توجه به نتایج جدول فوق، فرضیه H_0 پذیرفته می‌شود، لذا توزیع نرمال باقیمانده‌های مدل، نرمال استاندارد است. جهت بررسی شکل تبعی مدل (تصریح مدل)، از آزمون رمزی استفاده شده است. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر درست بودن تصریح مدل است و فرضیه مقابل نیز مبنی بر عدم درست بودن تصریح مدل است. فرضیه H_0 پذیرفته می‌شود، لذا مدل درست تصریح شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون‌های تشخیصی

آزمون نرمال بودن پسماندها		آزمون خودهمبستگی	
احتمال	آماره	احتمال	آماره
۰/۱۱۲۶	۳/۳۶۶۷	۰/۱۴۸۷	۱/۹۶۰۱
آزمون تصریح مدل		آزمون ناهمسانی واریانس	
احتمال	آماره	احتمال	آماره
۰/۵۴۷۷	۰/۶۰۴۲	۰/۱۱۳۹	۱/۵۱۷۵

منبع: محاسبات تحقیق

به منظور اطمینان از پایدار بودن ضرایب رگرسیون برآورد شده و صحت نتایج به دست آمده آزمون‌های پایداری CUSUM و CUSUMSQ برای مدل NARDL برآورد شده صورت گرفته است. در این آزمون‌ها مقادیر آماره برآورد شده در بین دو مقدار بحرانی در سطح پنج درصد رسم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

می‌گردد و در صورتی که از این دو کرانه خارج نگردد، نمی‌توان فرضیه صفر مبنی بر پایدار بودن رگرسیون برآورد شده را رد نمود. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در نمودارهای (۱) و (۲) نشان داده شده است.

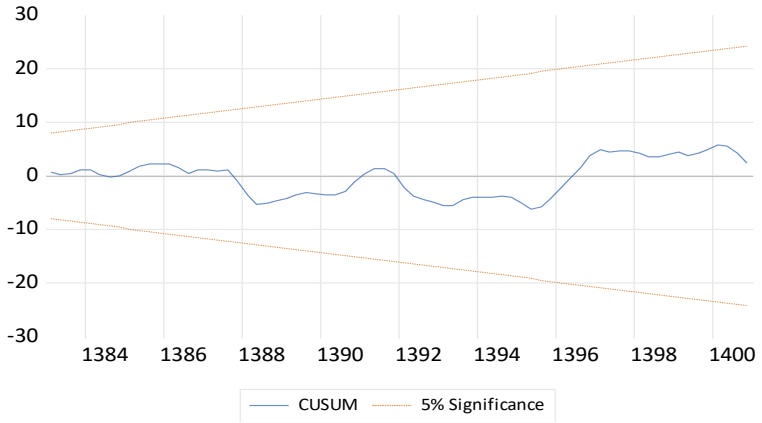

نمودار (۱): منحنی حاصل جمع انباشته پسماندها

منبع: محاسبات تحقیق

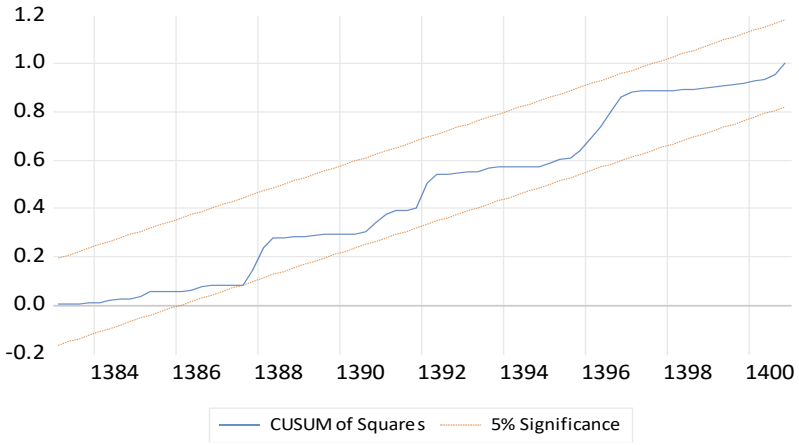

نمودار (۲): منحنی حاصل جمع انباشته مربعات پسماندها

منبع: محاسبات تحقیق

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۴-۴- آزمون متقارن بودن و نامتقارن بودن اثرات شوک‌ها

در نهایت، جهت بررسی متقارن نبودن تأثیرات شوک‌های مثبت و منفی اثرات حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد، رشد اقتصادی و تورم بر عقود بانکداری اسلامی، از آزمون والد استفاده شده است. طبق نتایج آزمون والد، تساوی ضرایب شوک‌های مثبت و منفی متغیرهای حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد، رشد اقتصادی و تورم را می‌توان در هر دو مدل، رد کرد و لذا اثرات شوک‌ها، متقارن نیستند و این نتیجه نیز، گواه دیگری بر غیرخطی بودن مدل‌های مورد بررسی است.

جدول (۵): نتایج آزمون والد

احتمال	آماره
۰/۰۰۰۰	۷۶۰/۶۸۵۷

منبع: محاسبات تحقیق

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به بررسی تأثیر شاخص‌های نهادهای حاکمیتی (حق اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی بدون خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد) بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی در ایران طی دوره زمانی ۱۳۷۸:۴ تا ۱۴۰۰:۴ (بر اساس داده‌های فصلی) با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی اتورگرسیون با وقفه‌های توزیعی غیرخطی (NARDL) پرداخته شده است. متغیرهای تورم و رشد اقتصادی نیز، به عنوان متغیرهای کنترل در مدل‌ها وارد شدند. نتایج برآوردها حاکی از آن است که، در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر شوک‌های مثبت (منفی) حاکمیت قانون بر عقود بانکداری اسلامی مثبت (منفی) است. تأثیر شوک منفی کنترل فساد بر عقود بانکداری اسلامی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، مثبت و تأثیر شوک منفی اثربخشی دولت، منفی است ولی شوک مثبت، تأثیری بر عقود بانکداری اسلامی ندارد. تأثیر شوک مثبت کیفیت مقررات بر عقود بانکداری اسلامی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، منفی بوده ولی شوک منفی، بی‌تأثیر است. در کوتاه‌مدت تأثیر شوک‌های مثبت (منفی) حق اعتراض و پاسخگویی بر عقود بانکداری اسلامی مثبت (منفی) است ولی در بلندمدت، بی‌تأثیر است. شوک منفی ثبات سیاسی بدون خشونت در کوتاه‌مدت و بلندمدت و شوک مثبت در بلندمدت، تأثیری بر عقود بانکداری اسلامی ندارد ولی تأثیر شوک مثبت در کوتاه‌مدت، مثبت است. در توجیه تأثیرات مثبت چنین قابل اذعان است که نهادها با ایجاد یک

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

ساختار باثبات در روابط انسانی، منجر به کاهش نااطمینانی، تشویق کارایی و بهبود عملکرد مالی در بخش بانکداری اسلامی می‌شوند، ولی چنانچه اگر به لحاظ شاخص‌های نهادی شاهد وضعیت مناسبی نباشیم، در چنین حالتی می‌توان شاهد رابطه منفی و حتی عدم رابطه نیز بود، چرا که این وضعیت منعکس‌کننده حکمرانی ضعیف می‌باشد و طبیعتا در چنین حالتی، حکمرانی ضعیف نمی‌تواند محرک مناسبی در جهت ارتقای مولفه‌های بانکداری اسلامی باشد، که آمارهای ارائه شده از سوی بانک جهانی، منعکس‌کننده وضعیت نامساعد شاخص‌های نهادی در کشور می‌باشند. در ارتباط با نتایج متغیرهای کنترل نیز، در کوتاه‌مدت و بلندمدت تأثیر شوک‌های مثبت (منفی) تورم بر عقود بانکداری اسلامی منفی (مثبت) است ولی تأثیر شوک‌های مثبت (منفی) رشد اقتصادی بر عقود بانکداری اسلامی مثبت (منفی) است. همچنین لازم بذکر است که نتیجه مطالعه حاضر، با نتایج مطالعات داخلی و خارجی، هم‌خوانی دارد. باتوجه به تأثیرات شاخص‌های عوامل نهادی دولت بر عملکرد نظام بانکداری اسلامی، لازم است دولت ضمن شناخت دقیق ساختارهای نهادی، توجه ویژه‌ای به نقش مولفه‌های عوامل نهادی و برقراری ثبات سیاسی بیشتر داشته باشند تا از این طریق بتوانند زمینه‌های ارتقای هرچه بیشتر مولفه‌های بانکداری اسلامی را فراهم سازند. براین اساس، پیشنهادات به تفکیک کلیه مولفه‌های عوامل نهادی نیز به شرح زیر قابل ارائه می‌باشند:

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۱)، درجهت عملکرد هرچه بیشتر شاخص حق اعتراض و پاسخگویی، تقویت مردم‌سالاری و الویت‌بخشی به نظر اکثریت و توجه به خواسته‌های همگانی جامعه و تقویت نهادهای دموکراتیک، ضروری بنظر می‌رسد.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۲)، جهت ایجاد زمینه‌های بیشتر برای شکل‌گیری ثبات سیاسی بدون خشونت، توجه بیشتر به آرا و نظریات اقلیت‌های سیاسی، قومی و مذهبی و پرهیز از هرگونه ایجاد تنش‌های سیاسی، می‌تواند ریسک سقوط و نابودی دولت را در جوامع فوق تاحد قابل توجهی کاهش دهد و در جهت ایجاد و گسترش فضاهای سیاسی باثبات در جامعه مؤثر واقع گردد.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۳)، جهت اثربخشی هرچه بیشتر دولت، حذف نقش تصدی‌گری دولت و محدودنمودن وظایف دولت به ایفای وظایف حاکمیتی با هدف حفظ و بهره‌برداری بهنیه از منابع جهت ارائه خدمات مولد و پایدار، می‌تواند با افزایش کارایی دولت و تقویت حقوق مالکیت، نقش قابل توجهی را در ارتقای عملکرد بانکداری اسلامی ایفا نماید.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۴)، تدوین قوانین و مقررات مناسب‌تر با ساختار کشور و حذف قوانین دست و پاگیر خصوصا درزمینه قوانین اجرایی، می‌تواند به عملکرد هرچه بیشتر مقررات (کیفیت مقررات) منجر گردد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۵)، در جهت ارتقای سطح شاخص حاکمیت قانون، لازم است سیاست‌هایی در جهت گسترش دستگاه‌های قضایی مستقل، قابل پیش‌بینی و کارآمد، برقراری ثبات بیشتر در برنامه‌ها و اهداف طراحی‌شده دولت، ایجاد ساز و

کارهای نوآورانه مانند روش‌های نوین برای حل منازعات، حفاظت بیشتر از حقوق مالکیت و نظارت‌های کاراتر بر حسن اجرای قراردادها، صورت گیرد.

باتوجه به نتایج فرضیه اصلی (۶)، در جهت کنترل هرچه بیشتر فساد نیز، سه راهکار عمده افزایش نظارت بر کارگزاران دولتی متصدی ارائه خدمات، شفاف‌سازی فرآیندهای اداری و کاهش شدت قوانین و مقررات به شکل جامع، پیشنهاد می‌شود.

باتوجه به نتایج فرضیه فرعی (۱)، با سیاست‌های هدف‌گذاری، کنترل و مهار تورم و ایجاد زمینه‌های ثبات اقتصادی، می‌توان به مقابله با ریسک و نااطمینانی حاصل از تورم پرداخته و به سطح متعادلی از تورم دست یافت. چراکه اثرات ناشی از تغییرات تورم، طی یک دوره تخلیه نمی‌شود و این اثرات تا چند دوره بعد دوام پیدا می‌کند و سبب بی‌ثباتی بازار پول و عملکرد بانکداری اسلامی می‌شود. لذا جهت کنترل تورم، ابتدا لازم است که ریشه‌های تورم (تورم ناشی از فشار تقاضا، تورم پولی، تورم ساختاری، تورم وارداتی و تورم ناشی از فشار هزینه) بصورت دقیق در کشور، شناسایی شوند و سپس، یک بازنگری اساسی در روش‌ها و ساختارهای سیاست‌گذاری دولت در اقتصاد کلان، به‌ویژه در ساختار و سیاست‌گذاری‌های پولی صورت بگیرد و در این بین، مسئله انتظارات تورمی نیز، نباید نادیده گرفته شود. از طرفی نیز بدون تردید، نمی‌توان بدون کنترل کسری بودجه دولت و پیش‌بینی روش‌های غیر تورم‌زا برای تأمین آن، تورم را کنترل کرد. در همین راستا، لازم است که استفاده دولت از روش‌های آسان ولی تورم زا برای جبران کسری بودجه مانند برداشت از منابع بانک مرکزی، ممنوع شود.

باتوجه به نتایج فرضیه فرعی (۲)، با گسترش رشد اقتصادی و لذا افزایش درآمد به‌واسطه افزایش تولید ناخالص داخلی از طریق انتخاب و بکارگیری بهترین ترکیب ممکنه از سرمایه‌های تولیدی (سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و منابع انرژی) با توجه به نیازهای تولیدی جامعه؛ می‌توان انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بانک‌ها را افزایش داده و عملکرد نظام بانکداری اسلامی را در زمینه اعطای تسهیلات بیشتر، شتاب داد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

منابع

۱. آهنگری، عبدالمجید و رضائی، روح‌الله. (۱۳۹۰). بررسی رابطه علی بین دموکراسی و رشد اقتصادی: با استفاده از داده‌های ترکیبی. *مدلسازی اقتصادی*، ۱، ۴۷-۶۵.

۲. الهی، ناصر، حیدری، حسن، کیاالحسینی، سیدضیا الدین و ابولحسنی چیمه، محمد امین. (۱۳۹۷). پیچیدگی اقتصادی و عوامل نهادی (مقایسه میان کشورهای توسعه‌یافته، نوظهور و درحال توسعه). *مدلسازی اقتصادسنجی*، ۳، ۱۱-۳۷.

۳. بخششی علی، جویباری یوسفی محمد، نائبیان جلیل و احدی پرویز(۱۴۰۳). بررسی میزان تاثیر وابستگی متقابل و جهانی شدن بر حکمرانی خوب و سیاست خارجی دولت ها، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۳(۴۹)، ۹۷-۱۱۸.

۴. بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۳). قابل دسترسی در سایت http://tsd.cbi.ir/.

۵. تشکینی، احمد. (۱۳۹۷). اقتصادسنجی کاربردی به کمک ماکروفیت. تهران: موسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران.

۶. خداپرست مشهدی، مهدی، فلاحی، محمدعلی و رجب زاده مغانی، ناهید. (۱۳۹۵). بررسی نقش کیفیت نهادی بر توسعه مالی در کشورهای منتخب عضو سازمان *کنفرانس اسلامی*. *اقتصاد پولی و مالی*، ۱۱، ۴۵-۲۶.

۷. خانعلی زاده بهمن، رحیم زاده اشکان، دالمن پور محمد و افشاری راد مجید(۱۴۰۳). بررسی اثرات بلندمدت ریسک مرکب و پیچیدگی اقتصادی بر توسعه بازار صکوک ایران (رهیافت خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی غیر خطی ((NARDL)، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۳(۴۷): ۴۲۸-۴۰۱.

۸. سحابی، بهرام، اعتصامی، منصور و امین پور، خالد. (۱۳۹۲). پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی. بررسی اثر حکمرانی خوب و اندازه دولت بر توسعه مالی در کشورهای منتخب، *پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی*، ۱۲. ۱۱۸-۱۰۵.

۹. سرابی نوبخت، سمیرا و معدنچی، مهدی. (۱۳۹۷). نقش و اهمیت بانکداری اسلامی در پیشگیری از بحران های مالی. *کنفرانس بین المللی مدیریت حسابداری اقتصاد و بانکداری نوین*.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

۱۰. شریف آزاده، محمدرضا و حسینی بحرینی، محمد. (۱۳۸۲). تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۵۸-۱۳۷۹). *نامه مفید*، ۳۸، ۱۵۹-۱۹۲.

۱۱. شهبازخانی، ولی الله و صادقی، اسما. (۱۳۹۴). بررسی نقش بانکداری اسلامی در توسعه کشورهای اسلامی مطالعه موردی ربا در کشور ایران و اردن. *اولین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری، علوم اجتماعی*.

۱۲. عزتی، مرتضی، عاقلی، لطفعلی و کرمی، وجیهه. (۱۳۹۸). ارزیابی اثر عوامل نهادی و سیاسی بر توسعه مالی در کشورهای اسلامی منتخب. *پژوهشهای برنامه و توسعه*، ۲، ۶۰-۳۵.

۱۳. عزیزی، زهرا، براری، آسیه و احمدپور کچو، علی. (۱۴۰۰). تأثیر شاخص‌های کیفیت نهادی بر توسعه مالی (مطالعه موردی: کشورهای در حال توسعه منطقه اوراسیا). *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، ۱، ۲۷۸-۲۵۱.

۱۴. قبادی، سارا، مظفری شمسی، هاجر و فرامرزی، فردیس. (۱۳۹۸). تحلیل اثرات عوامل نهادی بر سرمایه‌گذاری در کشورهای منتخب عضو اوپک. *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، ۲۷، ۱۳-۳۹.

۱۵. کریمی، محمدشریف، حیدریان، مریم و دورباش، معصومه. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط و تأثیر شاخص‌های حکمران خوب بر رشد اقتصادی در ایران با رویکرد تصحیح خطای برداری. *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۳، ۱۲۷-۱۵۵.

۱۶. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۳). قابل دسترسی در سایت https://amar.org.ir/.

۱۷. هدایتی، سیدعلی اصغر، سفری، علی اصغر، کلهر، حسن و بهمنی، محمود. (۱۳۹۱). عملیات بانکی داخلی (تخصیص منابع). بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: *موسسه عالی بانکداری ایران*.

18. Alraheb, T. H., Nicolas, Ch., & Tarazi, A. (2019). Institutional environment and bank capital ratios. *Journal of Financial Stability*, 43, 1-24.
19. AsifKhan, M., AtifKhan, M., Elyas Abdulahiad, M., Liaqat, I., & HussainShaha, S. S. (2019). Institutional Quality and Financial Development: The United States Perspective. *Journal of Multinational Financial Management*, 49, 67-80.
20. Asutay, M., & Mohd Sidek, N. Z. (2020). Political economy of Islamic banking growth: Does political regime and institutions, governance and political risks matter?, *International Journal of Finance & Economics*, 1-36.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]

21. Balcerzak, A. P., & Pietrzak, M. B. (2016). *Quality of Institutions and Total Factor Productivity in the European Union. Statistics in Transition*, 3, 497-514.
22. Baltagi, B. H. (2013). Econometric Analysis of Panel Data. New York: John Wiley and Sons.
23. Cheona, S., Dowallb, D. E., & Songc, D. W. (2010). *Evaluating Impacts of Institutional Reforms on Port Efficiency Changes: Ownership, Corporate Structure, and Total Factor Productivity Changes of World Container Ports.*
24. Foster, N., Pöschl, J., & Stehrer, S. (2012). Manufacturing Productivity: Effects of Institutions and Service Sector Innovations. *The Vienna Institute for International Economic Studies*, 3, 1-16.
25. Freedom House. (2024). Retrieved from https://freedomhouse.org/.
26. Masron, T. A. (2013). *Promoting Intra-ASEAN FDI: The Role of AFTA and AIA. Economic Modelling*, 31, 43-48.
27. Matemilola, B. T., Bany-Ariffin, A. N., Azman-Saini, W. N.W., & Annuar, M. N. (2019). *Impact of institutional quality on the capital structure of firms in developing Countries. Emerging Markets Review*, 39, 175-209.
28. Muye, I. M., & Muye, I. Y. (2017). Testing for causality among globalization, institution and financial development: Further evidence from three economic blocs. *Borsa Istanbul Review*, 2, 117-132.
29. North, D. C. (2016). Institutions and Economic Theory. *The American Economist*, 61, 72-76.
30. Pradhan, R. P., Nair, M. S., Arvin, M. B., & Hall, J. H. (2023). Institutional quality, financial development and sustainable economic growth among lower income countries. *A United Nations Sustainable Development Journal*, 47, 435-483.
31. Procházka, P., & Čermáková, K. (2015). Influence of Selected Institutional Factors on the Economic Growth: Case Open Markets. *Procedia Economics and Finance*, 30, 702-709.
32. Shahinpoor, N. (2009). The Link between Islamic Banking and Micro financing. *International Journal of Social Economics*, 36, 997-1007.
33. World Bank. (2024). *The Worldwide Governance Indicators (WGI) project reports*. Accessed at https://www.worldbank.org/en/publication/worldwide-governance-indicators.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-27]